

حمله های نظامی را متوقف کنید

دیپلماسی جهانی برای اعلام هرچه زودتر آتش
بس فعال شود

ننگ و نفرت بر جنگ افروزان، جنایتکاران جنگی
و مدافعین حمله های نظامی

سرنگون باد حکومت های جنگ طلب و دیکتاتور

گسترده تر و مستحکمتر باد همبستگی اکثریت اهالی

جامعه بمثابه قربانیان جنگ آمریکا - اسرائیل

و ایران و جنگ چهل اندی ساله اقلیت در قدرت

حکومت جنایتکار اسلامی در ایران

- یورش نیروهای امنیتی به منازل اعضای شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران؛
تشدید فشار بر فعالان صنفی معلمان در آستانه ی سال نو

- بازداشت دست کم 1700 نفر از آغاز دور جدید جنگ

- یادداشت دوم از تهران: تنهایی در میانه سرکوب و جنگ

* یورش نیروهای امنیتی به منازل اعضای شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران؛
تشدید فشار بر فعالان صنفی معلمان در آستانه ی سال نو

در آستانه سال جدید، مأموران امنیتی با یورش به منازل پنج نفر از فعالان صنفی معلمان و اعضای
شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران، اقدام به تفتیش منازل و ضبط وسایل ارتباطی این
افراد و خانواده هایشان کرده اند.

بر اساس گزارش‌های دریافتی، در تاریخ ۲۵ اسفندماه، مأموران امنیتی به منزل مجتبی گودرزی، عضو کانون صنفی فرهنگیان الیگودرز و از اعضای شورای هماهنگی، یورش برده و بدون ارائه حکم قانونی، وسایل ارتباطی او را ضبط کردند. در همین روز، منوچهر آقابییگی، از اعضای انجمن صنفی فرهنگیان کرمانشاه و عضو شورای هماهنگی، نیز پس از یورش مأموران به منزلش #بازداشت شد و تاکنون هیچ اطلاعی از محل نگهداری او در دست نیست.

در همین راستا، مأموران اطلاعات سپاه در تاریخ ۲۸ اسفندماه، با یورش به منازل محمد حبیبی، سخنگوی شورای هماهنگی، پروین سلیمی، عضو هیئت‌مدیره کانون صنفی معلمان تهران، و مسعود زینالزاده، دیگر عضو این کانون، ضمن تفتیش منازل، اقدام به ضبط وسایل ارتباطی این فعالان و اعضای خانواده‌هایشان کردند. این اقدامات نیز بدون ارائه هرگونه حکم قانونی و توضیح صورت گرفته است.

این یورش‌ها و ضبط وسایل شخصی، در حالی انجام شده که هیچ‌گونه شفافیتی درباره دلایل این آزار و اذیت ارائه نشده و خانواده‌ها با فشار و بی‌خبری مواجه شده‌اند.

در حالیکه کشور ایران و مردمان ساکن در این سرزمین آماج حملات هر روزه آمریکا و اسرائیل هستند، به نظر می‌آید مأموران امنیتی بر ناتوانی خود در جلوگیری از نفوذ عوامل خارجی، از طریق تداوم سرکوب فعالان صنفی معلم سرپوش می‌گذارند.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران با محکوم کردن تداوم آزار و سرکوب فعالان صنفی معلمان، تأکید می‌کند که این اقدامات غیرقانونی و غیرانسانی در تضاد با حقوق بنیادین معلمان و حق تشکل‌یابی است و خواستار توقف فوری این روند، آزادی افراد بازداشت‌شده و پایان دادن به فشار بر فعالان صنفی است.

***بازداشت دست کم 1700 نفر از آغاز دور جدید جنگ**

با آغاز دور جدید جنگ میان ایالات متحده آمریکا، اسرائیل و ایران از تاریخ ۹ اسفند ۱۴۰۴، نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی اقدام به بازداشت‌های غیرقانونی و گسترده شهروندان، فعالان مدنی و خانواده‌های دادخواه در سراسر کشور کرده‌اند. آمارهای تجمیعی نشان‌دهنده بازداشت دست‌کم ۱۷۰۰ نفر از آغاز جنگ می‌باشد.

بنابه گزارش پنج‌شنبه 6 فروردین، سازمان حقوق بشری ههنگاو، در بازه زمانی ۹ اسفند ۱۴۰۴ تا ۶ فروردین ۱۴۰۵، دستگاه‌های امنیتی از جمله اطلاعات سپاه، وزارت اطلاعات و فراجا، با بهره‌گیری از شرایط جنگی، فضای امنیتی شهرها را تشدید کرده و اقدام به بازداشت گسترده شهروندان بدون ارائه هیچ حکم قانونی نموده‌اند. بر طبق این گزارش دست‌کم ۱۷۰۰ شهروند توسط این نهادها بازداشت شده‌اند که تاکنون هویت ۷۰ نفر از آنها برای ههنگاو احراز شده است.

اتهامات انتسابی و فشار بر بازداشت‌شدگان

دستگاه قضایی و حکومتی جمهوری اسلامی اتهامات مطروحه علیه افراد بازداشت شده را در دسته‌های زیر طبقه‌بندی کرده است:

۱. جاسوسی: تصویربرداری از مراکز حساس، ارسال مختصات نظامی و همکاری با سرویس‌های اطلاعاتی خارجی از جمله موساد اسرائیل.

۲. اقدام علیه امنیت ملی: نگهداری اسلحه، تجهیزات اینترنت ماهواره‌ای (استارلینک)، تلاش برای سازماندهی تجمعات و درگیری مسلحانه.

۳. فعالیت رسانه‌ای: ارتباط با رسانه‌های خارج از کشور و اخلاف در امنیت روانی جامعه در فضای مجازی.

این سازمان تاکید می‌کند که هم‌زمان با آغاز درگیری‌های نظامی، دولت ایران با اعمال محدودیت‌های شدید و قطع گسترده دسترسی به اینترنت، عملاً سدی در برابر نظارت نهادهای حقوق بشری و جامعه جهانی ایجاد کرده است. این وضعیت «بی‌خبری مطلق»، ضریب آسیب‌پذیری بازداشت‌شدگان را به شدت افزایش داده و نگرانی‌ها را در خصوص وقوع ناپدیدسازی‌های قهری و شکنجه‌های سازمان‌یافته به اوج رسانده است. عدم دسترسی آزادانه به اطلاعات، نه تنها فرآیند احراز هویت بازداشت‌شدگان را با مشکل جدی مواجه کرده، بلکه نهادهای امنیتی برای سرکوب بیشتر و سناریوسازی‌های خود علیه بازداشت‌شدگان، فضای بیشتری خواهند داشت.

همچنین از همان روزهای آغازین جنگ، صداوسیما جمهوری اسلامی در تداوم همکاری مداوم و همیشگی خود با نهادهای امنیتی و حکومتی، اقدام به انتشار ویدئوهایی از اعترافات اجباری شماری از بازداشت‌شدگان کرده است.

این تصاویر که در شرایط بازداشت انفرادی و تحت فشار شدید روانی و جسمی ضبط شده‌اند، فاقد هرگونه ارزش اثباتی حقوقی بوده و نقض صریح ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است.

یادداشت دوم از تهران: تنهایی در میانه سرکوب و جنگ

غزل - این روزها شکل دیگری از تنهایی و سرکوب را هم تجربه می‌کنم که بسیار دردناک‌تر، غمگین‌کننده‌تر و خسته‌کننده‌تر از مواجهه با سرکوبگران رژیم اسلامی و نگرانی‌های اطرافیانم است. یادم هست زمانی در مدرسه و دانشگاه و خیابان همه در کنار هم مقابل ارتجاع و استبداد به هر شکلی می‌ایستادیم. این روزها اما دوستانم، آشناهایم و نزدیکانم هم دیگر تاب تحمل شنیدن یا خواندن ندارند. فرق نمی‌کند در کدام گروه فکری باشند یا باید آنچه می‌خواهند بشنوند را بگویی یا خفه‌خون بگیری یا حمله‌های کلامی و فحش و تهدیدهایشان را تاب بیاوری. این هم میراث سال‌ها تنفس و زیستن در هوای استبداد و سانسور است؟

جمعه/ 29 اسفند 1404 / غزل/ تهران

امروز در تکاپوی سال نو بودم. برای لحظه‌هایی فراموش می‌کردم در میانه‌ی جنگ هستیم. موقع حساب کردن ماهی و سبزی و این قبیل چیزها وقتی قیمت‌های نجومی را می‌دیدم یا وقتی در خیابان قدم می‌زدم و ناگهان پدافندها فعال می‌شد و از دور دست صدای انفجار می‌آمد دوباره پرت می‌شدم وسط واقعیت کثیف این روزها. من آدم خوش‌شانسی هستم. همین‌که طبقه اجتماعی و خانوادگی من

آنقدری رفاه دارند که در میانه جنگ هنوز بی‌خانمان نشدم و هنوز می‌توانم ماهی شکمپر درست کنم و هنوز می‌توانم هفت‌سین بچینم و فال حافظ بگیرم و شراب بنوشم به نظرم خوش‌شانسی است. هرچند فشار اقتصادی در طول سال‌های گذشته به مرور بر ما هم بیشتر و سنگین‌تر شده و خیلی از رفاه و تفریح و سفر و کارهایی که سال‌های قبل به‌راحتی انجام می‌دادیم در سال‌های اخیر بسیار محدود شده اما باز هم می‌توان گفت اوضاع ما خیلی خراب نیست. بخش زیادی از مردم ایران در حال حاضر حقیقتاً دچار بحران تامین غذا و سرپناه شده‌اند و این واقعا فاجعه است و به نظر فعلا اوضاع هر روز در حال بدتر شدن است.

اما امید عجیب و ناآشنایی را درونم حس می‌کنم. حسی شبیه به اینکه دلم می‌خواهد باور کنم امسال هرچقدر هم سخت باشد بالاخره شاید این‌بار مرغ ما هم تخم طلا بذاره. نمی‌دانم این خوش‌باوری چطور و چه زمان در من ریشه کرده آن‌هم میانه‌ی جنگ و این همه‌های سرپا گنگ و ترسناک رسانه‌ها و شاخ و شانه کشیدن‌های جبهه‌های مختلف جنگ برای هم و برای ما مردم.

ما مردم؟ کدام مردم؟ مثلا منی که کنار گریه‌ام لم دادم در تخت و بعد از شام و شراب مفصل شب عید دارم در لپ‌تاپم خاطره می‌نویسم چه حقی دارم از طرف کسی حرف بزنم که تا همین الان در همین روز عید در حال بدو بدو در خیابان است برای یک لقمه نان، من به‌عنوان یک آدم غیرمذهبی چه حقی دارم از طرف آدم‌های مسلمان یا مسیحی داد سخن سر بدهم و حکم صادر کنم که چه می‌خواهیم و چه نمی‌خواهیم؟ باید هر بار که خواسته یا ناخواسته درجایی می‌گویم «ما مردم» از خودم بیرسم دارم درباره چه کسانی حرف می‌زنم.

چقدر این عبارت این روزها تکرار می‌شود. درست شبیه یک ویروس واگیردار. هرکسی به خودش اجازه می‌دهد در جایگاه سخنگو بایستد و همه را در زیر یک پرچم واحد «ما مردم ایران/ اسلام» «ما ملت غیور/ شهیدپرور/ ولایی» خطاب کند گویی هرکس که شبیه او نباشد اصلا مردم نیست و گویی چیزی به نام من و فردیت نباید وجود داشته باشد و عباراتی مثل «ملت‌ها» «گروه‌های مختلف مردم» و هرشکلی از گفتمان که همگان را زیر فقط یک پرچم واحد نبرد به تابو تبدیل شده است.

فکر نمی‌کردم من هم دچار این ویروس باشم اما حتی خاطرات روزهای قبلم را هم می‌خواندم متوجه شدم بارها از این کلمه استفاده کردم. چقدر نفی استبداد و تک‌صدایی، احترام و به رسمیت شناختن تکثر افراد و اندیشه‌ها سخت است. یکبار از کسی شنیدم که می‌گفت: «آزادی‌خواه بودن یعنی من حتی آزادی دشمن خودم رو هم می‌خوام و حتی برای آزادی او هم مبارزه می‌کنم.» آزادی‌خواه بودن چه مسئولیت سنگینی است. آن هم وقتی که حتی به رسمیت شناختن موجودیت دیگری در گفتمان و ادبیات گفتاری‌مان انقدر سخت است، گویی دیگری اصلا نباید وجود داشته باشد.

این روزها صبح و شب حکومت ایدئولوژیک اسلامی در حال ارسال پیام برای به قول خودش «ما مردم» است گاهی حس می‌کنم یک استاکر روانی در حال آزار رساندن به من است. هفت صبح یازده شب یک بعد از نیمه‌شب پشت هم پیام‌هایی می‌زند که من هیچ تمایلی به آن‌ها ندارم و ولی نمی‌توانم متوقف‌اش کنم: همه‌ی خدمات حمل و نقل عمومی رایگان شد... دعای جمعی مردم ایران و قرائت دعای... استغاثه و توسل برای پیروزی رزمندگان اسلام امروز ساعت... آمریکا گفته تجمعات ما هوش مصنوعی است... ساعت شروع اجتماع حمایت از رزمندگان... هم‌وطن گرامی برای حفظ

اتحاد مقدس و دفاع میهنی.... هموطن گرامی برای مقابله با دشمن آمریکایی صهیونی..... بسه! بسه! بسه!

برای گریز از این حمله‌های بی‌پایان و خسته کننده با هزار بدبختی وی‌پی‌ان رو وصل می‌کنم و به جای خواندن اخباری که این روزها پای ثابت تمام‌شان عباراتی است مثل: طبق اخبار غیرموثق، منابع آگاه اطلاع دادند که احتمالاً... و بوی ابهام و بلاتکلیفی‌اش حس خفگی می‌دهد دولینگو را باز می‌کنم که خیر سرم کمی سرم گرم شود. یک درس را کامل می‌زنم و به جای تبلیغ‌های همیشگی با یک تبلیغ جدید مواجه می‌شوم: سربازان وظیفه، رژیم در حال فروپاشی است به خانه و پیش خانواده‌هایتان برگردید و جان‌تان را به خطر نندازید. تبلیغ دیگری می‌آید: مردم ایران پیروزی نزدیک است متحد باشید. نفس عمیقی می‌کشم تا کمی عصبانیت‌ام خالی شود اما تبدیل به قهقهه می‌شود. فقط یک دیوانه مثل من وسط جنگ در یک کشور بی‌اینترنت وقتی با بدبختی ده دقیقه به نت وصل می‌شود دولینگو می‌زند و حتی اینجا هم باید این اعلامیه‌ها و فراخوان‌ها را ببینم. کدام سرباز وظیفه‌ای وسط جنگ دولینگو می‌زنه آخه؟ این حجم از پیام‌های ناخواسته از سمت هر دو گروه به نظر من نوعی تجاوز به ذهن است. بسه! بسه! بسه!

از این میدان جنگی که کشور و خانه و حتی روان ما را بمباران می‌کند پناه می‌برم به آغوش حافظ. از جنون فراگیر این روزها بهش می‌گویم از حجم عظیم بلاتکلیفی و خستگی و ویرانی، از امید و خوش‌باوری عجیب و قلب ترسیده و ذهن خشمگینم و جواب می‌دهد که: «حافظ! صبور باش که در راه عاشقی/ هرکس که جان نداد، به جانان نمی‌رسد.»

akhbarkargari2468@gmail.com